

ازدواج اجباری و کلیشه‌های

جنسیتی

ازدواج دختران زیر سن قانونی یکی از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در کشورمان است. همان‌طور که نصیری می‌گوید: «یکی دیگر از مسائل جدی که در سال‌های اخیر زیاد شنیده‌ایم و متأسفانه همچنان وجود دارد ازدواج اجباری یا کودک‌همسری است. وقوع این آسیب بیشتر ناشی از فقر فرهنگی است. یعنی وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که در این خانواده‌ها عامل فقر فرهنگی، سنت‌های قبیله‌ای و نگاه ابزاری به زن به چشم می‌خورد. یکی از موضوعاتی که به نظرم در انواع آسیب‌هایی که زنان با آن درگیر هستند و به آسیب تبدیل شده، طرد اجتماعی و بدنامی زنان است. زنان به نسبت مردان چه از درون خانواده و چه داخل جامعه برچسب می‌خورند و طرد می‌شوند. همین برچسب‌زنی باعث می‌شود آنها را نپذیرند و به همین دلیل فرآیند بازگشت به خانواده و جامعه در ارتباط با زنان آسیب‌دیده به خوبی انجام نمی‌شود، بنابراین باید حواسمان باشد که چه بسترهای فرهنگی، چه شرایط و باورهایی در سطح جامعه وجود دارد که زنان و دختران را به سمت قربانی شدن در هر کدام از آسیب‌ها سوق می‌دهد.»

دختران بازمانده از تحصیل

یکی دیگر از آسیب‌هایی که ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست و باعث گسترش آسیب اجتماعی در آینده خواهد شد، مسأله ترک تحصیل دختران و دختران بازمانده از تحصیل است. براساس آخرین آمار که کاظمی، وزیر آموزش و پرورش ارائه کرده حدود ۷۵۰ هزار کودک در هر سه دوره آموزشی از تحصیل بازمانده‌اند که سهم دختران بیشتر است. به نظر



خشونت خانگی یکی از بحران‌های جدی اجتماعی و حقوقی است که پیامدهای عمیقی برای جامعه دارد. چندی پیش یکی از مسئولان سازمان بهزیستی گفته بود: «بیشترین تماس‌ها با خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی در زمینه همسرآزاری و اختلافات زناشویی است که نسبت به بقیه آسیب‌ها رتبه بالایی دارد»

نصیری «بسیاری از پژوهش‌های مبتنی بر شواهد نشان می‌دهد که آغاز حرکت فرد به سمت انواع آسیب‌های اجتماعی از ترک تحصیل و خارج شدن از محیط مدرسه و پیوندهای عاطفی و ارتباطی که داخل مدرسه داشته شروع می‌شود. این یکی از مؤلفه‌های مهمی است که باعث آسیب‌دیدگی دختران می‌شود، به نظرم آنها قربانی شرایط و سیاست‌گذاری‌های نادرست می‌شوند.» اما فرار دختران از خانه که طی دهه‌های اخیر با آن روبه‌رو بوده‌ایم، در شهرهای مختلف و طی ادوار گذشته نرخ متفاوتی داشته و یکی از موضوعات مهمی است که اگر به آن پرداخته نشود، می‌تواند دروازه ورود دختران به انواع آسیب‌ها باشد. این مددکار اجتماعی می‌گوید: «فرار دختران متأثر از عوامل مختلفی مثل مشکلات خانوادگی، پیوندهای عاطفی و ارتباطی ضعیف درون خانواده، خشونت احتمالی درون خانواده، تبعیض، محدودیت یا آزادی مطلق است که در خانواده‌ها وجود دارد.» شکی نیست که فرار از خانه زمینه‌ساز آسیب‌های بعدی مثل بی‌خانمانی و اعتیاد

خواهد بود. دختری که از خانه فرار می‌کند به زن خیابانی تبدیل شود که آسیب دیگری در جامعه است. نصیری معتقد است: «سرقت و نکدی‌گری زنان، استفاده از زنان خیابانی در توزیع مواد مخدر یا سایر اقدامات مجرمانه، همه در پیوند با همدیگر است.»

لزوم اصلاح برخی قوانین

تبعیض‌ها و نابرابری‌های قانونی و حقوقی مورد دیگری است که زنان با آن روبه‌رو هستند. نصیری می‌گوید: «گاهی سیاست‌گذاران توجه ندارند مسائل و نگرانی‌هایی که امروز در ارتباط با نهاد خانواده مطرح است ناشی از قوانین ناکارآمد و اصلاح نشده‌ای است که مقاومت‌هایی را در زنان و دختران ایجاد می‌کند. برای همین نیازمندیم قوانینی که در این حوزه وجود دارد، اصلاح شوند.»

چه باید کار کرد؟

این مددکار اجتماعی با تأکید بر امر پیشگیری و ذکر این نکته که در کشور ما نگاه به پیشگیری معادل آموزش قلمداد می‌شود، می‌گوید: «آموزش هم معادل یک‌سری از دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های آموزشی و تبلیغات محیطی است. تصور می‌کنیم که آموزش می‌تواند پیشگیری را محقق کند، اما پیشگیری باید در سه مرحله و تحت عنوان جامعه و پیشگیری موقعیتی، پیشگیری مبتنی بر جامعه و پیشگیری رشدمدار دنبال شود. ابتدا باید تلاش کنیم افراد دچار آسیب نشوند و اگر به دلایل مختلف دچار آسیب شدند، بتوانیم در مراحل اولیه پیشگیری کنیم تا حادثه رخ ندهد. مثلاً اگر با وجود فعالیت‌هایی که انجام داده‌ایم با مسأله فرار دختران مواجه شدیم، بتوانیم امکان بازگشت آنها را به خانواده و جامعه فراهم کنیم و سیاست‌ها و برنامه‌هایی که تعریف می‌کنیم اثرگذار باشند.»



برای مشاهده فیلم
بارکد را اسکن کنید

تهران

۲۲۵

آموزش و پرورش

زنان و جلوگیری از خشونت علیه آنهاست. نکته بعدی فراهم کردن شرایط شغلی مناسب برای زنان و تشویق کارفرمایان به استخدام زنان در جامعه است. باید از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی تلاش شود تا تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به نقش زنان در خانواده و جامعه به وجود آید. در نهایت، تغییرات پایدار در وضعیت زنان نیازمند همکاری همه جانبه دولت، نهادهای مدنی و جامعه است. تنها با ایجاد یک محیط حمایتی و برابر می‌توانیم به سوی جامعه‌ای عادلانه حرکت کنیم که در آن زنان بتوانند بدون ترس از آسیب‌های اجتماعی، زندگی کنند.



موج موافق به تداوم این آسیب‌ها کمک می‌کند. با وجود تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر برای کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان انجام شده است، اما متأسفانه هنوز شاهد تداوم این مشکلات هستیم. عواملی همچون مقاومت فرهنگی، تغییر نکردن نگرش‌های اجتماعی و کمبود منابع برای حمایت از زنان باعث شده‌اند که این آسیب‌ها همچنان پایرجا بمانند. برای کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان در جامعه، نیاز به اتخاذ راهکارهای اساسی داریم. اولین اقدام ترویج آموزش‌های جنسیتی و حقوقی در مدارس برای افزایش آگاهی زنان و مردان درباره حقوق و مسئولیت‌های‌شان است. مرحله بعدی ایجاد و اجرای قوانین مؤثر برای حمایت از حقوق